

طرح

درس:

گام اول

نکته‌های کلیدی
درباره طراحی
آموزشی و طرح درس

معلم

توانمند

دکتر مرتضی مجدفر
کارشناس و پژوهشگر آموزشی

* مقدمه

طراحی آموزشی و تدوین، نگارش و اجرای طرح درس‌های سالانه و روزانه در کلاس‌های درس از وظایف اصلی همه معلمان در همه دوره‌های تحصیلی هستند. عده‌ای معتقدند، حرفه‌ای‌گری معلمان، از مسلط بودن آن‌ها به مهارت طراحی آموزشی نمایان می‌شود و توجه به این مقوله، نوعی فرصت‌سازی توأم با برنامه‌ریزی است که می‌تواند معلمان را کارآمدتر و مسلط‌تر کند. از نخستین روزهایی که تدریس را شروع کردم، همواره مورد تمسخر برخی، از جمله معلمان با سابقه، قرار گرفته‌ام که: «بابا اول کن این قرتی بازی‌ها را! معلم قوی و با سابقه که طرح درس نمی‌خواهد... طرح درس معلم باتجربه در ذهن اوست، نه روی کاغذ!» و من در جواب می‌گفتم: «اگر شما مهندس معمار

برج‌های بزرگ و شیک باشی و در شمال شهر تهران، بناهایت را با دست نشان بدهند، و بخواهی یک برج دیگر بسازی، نمی‌توانی با شهرداری وارد جر و بحث بشوی و با دعوا بگویی خجالت نمی‌کشید از من که چنین برج‌هایی ساخته‌ام، طلب نقشه می‌کنید؟ در هر صورت، قطعاً به رفتار خواهند خندید و باز از تو نقشه خواهند خواست. منتها این نقشه می‌تواند خیلی جزئی نباشد و فقط به کلیات اشاره کند. معلمی هم چنین است و هرچه سابقه ما افزایش می‌یابد، طرح درس‌هایمان کم‌حجم‌تر و کوتاه‌تر خواهد شد.»

هر چند رفتار خیلی از معلمان تغییر نکرده است، ولی در طی ۴۰ و اندی سال، درباره طراحی آموزشی و طرح درس به ۱۲ نکته رسیده‌ام که دوست دارم آن‌ها را با همه معلمان به اشتراک بگذارم.

/ طراحی آموزشی چیست؟

طراحی آموزشی عبارت از فرایند پیش‌بینی روش‌های آموزشی برای رسیدن به اهداف خاص، برای فراگیرندگان خاص و در شرایط خاص است. وقتی گفته می‌شود پیش‌بینی، یعنی معلم باید این توانمندی را داشته باشد که در پله‌های روزهای پایانی شهر یورماه بایستد و چشم‌انداز کلاس خود تا انتهای سال تحصیلی را نظاره کند. به عبارت دیگر، طراحی آموزشی، فکر کردن و برنامه‌ریزی در مورد کاری است که هنوز شروع نکرده‌ایم.

/ وقتی از چشم‌انداز کلاس سخن گفته می‌شود، منظور چیست؟

چشم‌انداز کلاس براساس پیش‌بینی و نه پیش‌گویی، به دنبال تحلیل مأموریت است که باید به عملکرد

وسپس وظیفه تبدیل شود. برای وظیفه، «وسایل یا رسانه» و «روش و ابزار» را به کار می‌گیریم. انتخاب روش بر مبنای اهداف عملکردی صورت می‌پذیرد و روش‌ها و فنون تدریس ابزار کار قرار می‌گیرند. در این تحلیل مأموریت، مدت‌ها صرفاً «محتوای تدریس» مطرح بود که بعدها به «چگونگی یا روش تدریس»^۱ و در نهایت، در تعریف‌های جدید طراحی آموزشی، به تدریس «چه چیزی و برای چه کسی»^۲ تبدیل شد. به این ترتیب، در طراحی آموزشی جدید، یادگیرنده است که روش تحلیل آموزشی و بالتبع، روش تدریس ما را تعیین خواهد کرد. بنابراین، در طراحی آموزشی، نگاهی کل‌گرایانه (هولستیک) داریم و به صورت ریز و جزئی وارد ماه‌ها، هفته‌ها و روزها نمی‌شویم. ولی می‌دانیم که در طی سال تحصیلی پیش‌رو چه خواهیم کرد؛ با چه دانش‌آموزانی و با چه ویژگی‌هایی روبه‌رو می‌شویم؛ از چه روش‌هایی در تدریس بهره خواهیم برد؛ علاوه بر فضاهای آموزشی کلاسیک و ثابت و سایر فضاهای موجود در مدرسه، چه اردوها و بازدیدهایی خواهیم داشت؛ چه پژوهش‌ها و تکلیفی را به دانش‌آموزانمان واگذار خواهیم کرد؛ نقش دانش‌آموزانمان به صورت انفرادی و گروه‌های دانش‌آموزی در اداره کلاس چگونه خواهد بود؛ آزمون‌های ما چه ویژگی‌هایی خواهد داشت؛ چه فیلم‌ها و ابزارهای آموزشی دیگری را به کار خواهیم گرفت؛ جایگاه فضاهای مجازی و ابزارهای نوین ارتباطی در تدریس ما چه خواهد بود و کتاب‌های کمک‌درسی، مکمل، کاربرگ‌ها و مواد آموزشی همراه و تکمیلی مادر طی سال چه چیزهایی خواهد بود. همچنین باید از استانداردها و مفیدبودن آنچه پیش‌بینی کرده‌ایم، مطمئن باشیم و بدانیم آیا برنامه‌های عملیاتی برای مدیریت زمان در طی سال تحصیلی تهیه کرده‌ایم؛ در چه شرایطی و با چه سطحی از نمره‌ها و نتیجه به دست آمده، دانش‌آموزان مادر وضع مناسب یا رو به پیشرفت قرار دارند؛ آیا برای ارزیابی از تدریس‌مان تحلیل‌هایی دوره‌ای پیش‌بینی کرده‌ایم؛ آیا قرار است در یک فعالیت مشارکتی دسته‌جمعی با همکاران مدرسه‌ای و دیگر معلمان، به بهسازی تدریس خودمان بپردازیم و پرسش‌هایی از این دست.

آیا طراحی آموزشی همان تدوین و نگارش طرح درس است؟

طراحی آموزشی مجموعه است، ولی تدوین و نگارش طرح درس سالانه و روزانه، یکی از زیر مجموعه‌های آن. گفته شد که طراحی آموزشی بیشتر پیش‌بینی، دست به فکر شدن و تفکر درباره آن چیزهایی است که قرار است در کلاس اتفاق بیفتند، در حالی که طرح درس دست به قلم شدن توأم با تفکر است. یعنی باید ابتدا تحلیل آموزشی انجام دهیم، هدف را تعیین،

تحلیل و اهداف عملکردی و آموزشی را مشخص و اولویت‌بندی‌ها را تعیین و سپس بر اساس اولویت‌ها، برای آن محتوا روش و رسانه تعیین کنیم. البته در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران که تولید محتوا تقریباً متمرکز است، تحلیل محتوا، محاط‌شدن به آن و نیز تعیین محتواهای تکمیلی بر اساس توانمندی‌ها و تفاوت‌های فردی، فرهنگی و اقلیمی دانش‌آموزان، از وظایف معلم در طراحی آموزشی و سپس تدوین، نگارش و اجرای طرح درس است.

البته بسیاری از پرسش‌هایی که در طراحی آموزشی و تدوین، نگارش و اجرای طرح درس مطرح می‌شوند، مشابهت زیادی با یکدیگر دارند. اگر هر یک از این پرسش‌ها و ایده‌ها را به صورت کلی و در شکل پیش‌بینی‌گونه پاسخ دهیم، پای در وادی طراحی آموزشی گذاشته‌ایم، ولی اگر هر یک از این پرسش‌ها و ایده‌ها را (که نمونه‌ای از آن‌ها در فراز قبلی مطرح شد) به یک جلسه محدود و پاسخ آن‌ها را در جلسه‌های تدریسی خود در طی سال جست‌وجو کنیم، دیگر از طراحی آموزشی فاصله گرفته‌ایم و پادر نگارش طرح درس و تعیین تکلیف برای جلسه‌هایی با تاریخ معین می‌گذاریم.

با این توضیحات، آیا طراحی آموزشی اقدامی تحلیلی فلسفی است و تدوین و نگارش طرح درس، اقدامی عملیاتی؟

اساس هر دوی این‌ها رخداد یادگیری است که در هسته مرکزی تمام مباحث روان‌شناسی یادگیری، فناوری آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و بالتبع طراحی آموزشی قرار می‌گیرد. اگر معلمی صرفاً و به صورت مکانیکی و بدون آگاهی از مبانی فلسفی یادگیری، که بر ونداد اصلی تدریس وی در کلاس درس است، به طراحی آموزشی و تدریس روی بیاورد، حاصل چیزی نخواهد بود که مطلوب ماست. شاید مثالی در این زمینه رهگشا باشد و آن تعریفی است که معلمان باید از یادگیری، به عنوان بن‌مایه و ملات پیونددهنده عناصر طراحی آموزشی، در ذهن خود داشته باشند.

اگر همین الان با مراجعه به یک جامعه آماری تصادفی از معلمان، از آن‌ها بخواهیم «یادگیری» را تعریف کنند، در کنار تعریف‌های به‌طور عمده نادرست، سه تعریف قابل قبول هم خواهیم شنید:

یادگیری عبارت است از تغییر رفتاری که قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشد.

یادگیری عبارت است از ایجاد تغییر در ساختارهای ذهنی.

یادگیری عبارت است از خلق معنا در ذهن.

هر یک از این سه تعریف برگرفته از نوعی نگاه معرفت‌شناسی، نظری و فلسفی به یادگیری و بر اساس آن به فرایند تدریس و به ترتیب شامل سه رویکرد تاریخی و به تدریج تکمیل‌شونده، یعنی «رفتارگرایی»، «شناخت‌گرایی» و مطالعه فرایندهای ذهنی» و در نهایت «ساختن‌گرایی» در روان‌شناسی یادگیری است. اگر هر کدام از این سه تعریف را بپذیریم، روش‌ها، ابزارها، محیط‌های یادگیری و روش‌های ارزشیابی تغییر خواهد کرد. لذا ناگزیر در طراحی آموزشی به فهم و دریافت یک مجموعه رویکردها و نگاه‌های فلسفی به فرایند تدریس و رویکردهای کلاس درس مجبور هستیم و تا همه این مرحله‌ها را حس نکنیم، به آن‌ها اشراف نداشته باشیم و ریشه‌های فلسفی تحول‌های یادگیری را بازنمایی نکنیم، طراحی آموزشی و تدوین، نگارش و اجرای طرح درس، نه فلسفی خواهد بود، نه عملیاتی، و تنها به شکل یک اقدام صوری خود را نشان خواهد داد؛ چیزی که متأسفانه در برخی یا بهتر است بگوییم در اغلب واحدهای آموزشی دیده می‌شود.

از لحاظ زمانی، طراحی آموزشی چه هنگام باید انجام شود؟

طراحی آموزشی یک فعالیت فرایندی است و می‌تواند در همه ماه‌های سال تحصیلی صورت پذیرد. ولی بهترین زمان برای طراحی آموزشی هر یک از مواد درسی‌ای که تدریس می‌کنیم، تابستان منتهی به شروع همان سال تحصیلی و در نهایت پایان هفته اول آغازین سال تحصیلی است. به عبارت دیگر، معلمی که بر اساس تعریف طراحی آموزشی، برای تدریس خود در طی سال تحصیلی روش‌هایی را پیش‌بینی نکند، تدریس هدفمندی را آغاز نخواهد کرد. معلمی که با طراحی آموزشی وارد سال تحصیلی جدید می‌شود، صاحب فکر است، از کلاس خود تحلیل دارد، به آنچه تدریس خواهد کرد، آشنا و آگاه است و مخاطبانی را که با آن‌ها کار خواهد کرد، می‌شناسد. اگر یاددهی یادگیری، حرفه ۹ ماهه معلمان در طی سال تحصیلی است، طراحی آموزشی هوشمندانه در فصل تابستان، مکملی بر این فعالیت‌ها و سرآغاز ورود قدرتمند به سال تحصیلی جدید است.

آیا می‌توان برای طراحی آموزشی مرحله‌هایی متصور شد؟

در کتاب‌های طراحی آموزشی در دسترس، الگوهای متعددی برای طراحی آموزشی مطرح شده‌اند که هر یک گام‌ها یا به عبارتی مرحله‌های گوناگونی دارد. برای مثال، در الگوی معروف هیلدا تابا (برنامه‌ریز درسی ژاپنی - آمریکایی) که به «الگوی ۴ مرحله‌ای،



۱۰ فعالیتی» معروف است، به طور مشخص چهار گام «قبل از تدریس، بیرون از کلاس درس»، «قبل از تدریس، داخل مدرسه»، «حین تدریس» و «بعد از تدریس» به چشم می خورد. در سایر الگوها هم چنین تقسیم بندی هایی وجود دارند. ولی در همه الگوهای طراحی آموزشی، به طور مشخص دو گام یا فصل اصلی و قابل تفکیک به چشم می خورد: فصل درنگ، فصل برنامه ریزی و طراحی.

در فصل درنگ، به مقدمات طراحی آموزشی می پردازیم. درنگ بهترین روش تحلیل آموزشی برای معلم و درس آموزی از تجربه های پشت سر گذاشته شده است. می گویند، اگر معلمی یک سال به یک روش نادرست تدریس کند و برای مثال ۲۰ سال این روش خود را تکرار کند و انتظار داشته باشد به او بگویند معلمی با ۲۰ سال سابقه کار، ره به خطا رفته است.

فصل درنگ با تعمق آغاز می شود. یک سال فعالیت پرشور و شری و فعالانه با بچه ها، استفاده از انواع و اقسام کار برگ ها، آزمون ها، نمونه سوال ها، فیلم های آموزشی، پرده نگارها (پاورپوینت ها)، روش های گوناگون یاددهی یادگیری، پژوهش های دانش آموزی، تکلیف های انفرادی و گروهی که در طول سال برای فراگیرندگانمان تعیین کرده ایم و ده ها مورد دیگر، از جمله مواردی هستند که می توان در فصل درنگ به تحلیل آن ها پرداخت و با طرح پرسش درباره کارآمدی یا ناکارآمدی و تأیید، تغییر و اصلاح آن ها در طی سالی که پشت سر گذاشته شد، تصمیم گرفت. معلمان موفق، در همین فصل، بسیاری از نمونه سوال ها، کار برگ ها، فیلم های آموزشی و پرده نگارها را دور می ریزند. این ها غالباً نمونه هایی هستند که در کلاس از آن ها باز خورد های مناسبی نگرفته ایم و فراگیرندگانمان ارتباط خوبی با آن ها برقرار نکرده اند. یعنی یا بسیار آسان بوده اند یا بسیار سخت؛ یا جذابیت نداشته اند یا فراتر از سطح مخاطبانمان بوده اند. اینجا یکی از مهم ترین نکات طراحی آموزشی، یعنی مخاطب شناسی، به کمکمان می آید. این ابزارها و روش ها مانند علف های هرزی هستند که باید وجین شوند. ولی برخی از ابزارها و روش ها به دور انداخته شدن نیاز ندارند. کافی است تنها آن ها را هرس کنیم تا یک سال دیگر نیز در کلاس های درسمان باقی بمانند. حتی برخی از ابزارها و روش ها، مانند گل ها و گیاهانی که سال ها باغبانچه ما را می آریند، با رسیدگی درست، می توانند سال های سال یاور ما در هنگام تدریس باشند. همین ایام فرصت مناسبی برای

مطالعه و به روز آوری دانش، توانش و بینش های معلمان نیز هست. شاید قبول این موضوع برای بسیاری از معلمان سخت باشد، ولی با توجه به تغییرات گسترده ای که مرتب در حوزه کار معلمی و روش های تعلیم و تربیت رخ می دهد، وارد شدن به مهر ماه، بدون روز آمدی، نامهربانی در حق خود و دانش آموزانمان است.

فصل برنامه ریزی و طراحی، وقت هدف گذاری و پیش بینی همه آن چیزهایی است که قرار است در طی سال در کلاس به اجرا در آیند. معلم هوشمند همه بار سفر طی سال خود را با درنگ بر گذشته، گشت و گذار در فصل تابستان و بازار تازه های آموزشی، همچون توشه ای برای طی مسیر سالانه خود، به همراه بر می دارد. البته ممکن است پرسیده شود آیا واقعاً می توان از پله آخر شهر یورماه و برای دیر کرده ها از پله روزهای پایانی هفته اول مهر ماه، همه چیز را تا پایان سال تحصیلی پیش رو دید؟ پاسخ مشخص است. گفتیم که این دیدن، دیدنی از نوع چشم انداز و دوردست بینی است. ممکن است توانسته باشیم تمامی جزئیات مسیر را درست تشخیص دهیم. ممکن است دانش آموزان سال جدید مان متفاوت تر از فراگیرندگان سال قبل باشند، ممکن است در طی سال، از لحاظ جسمی و روحی، با فراز و نشیب ها و حتی چالش هایی رو به رو شویم، ممکن است مدیر و مجموعه کارکنان مدیریتی مدرسه محل خدمتمان، امسال پرشورتر و علاقه مندتر از قبل باشند یا برعکس، و ده ها امکان پیش بینی نشده دیگر. این ها مواردی هستند که فرایندی بودن طراحی آموزشی را به مادیکته می کنند و در طول راه باید همواره به آن ها بیندیشیم؛ درست مانند مسافری که در عید نوروز قصد سفر به بندرعباس می کند و تازه در مقصد متوجه می شود برخلاف پیش بینی او، هوا سرد است و به اجبار به تهیه پوشاک زمستانی اقدام می کند.

تدوین و نگارش طرح درس چه موقع از سال تحصیلی باید صورت پذیرد؟

تدوین و نگارش طرح درس سالانه توسط معلمان، حداکثر باید تا پایان هفته اول آغازین سال تحصیلی صورت پذیرد. البته در مدرسه هایی که برنامه کار، روزهای تدریس، کلاس یا کلاس ها و مواد درسی معلمان مشخص است و تحت هیچ عنوانی تغییر نمی کند، حتی می توان انتظار داشت طرح درس سالانه زودتر هم تدوین شود. ولی تدوین و نگارش طرح درس روزانه (یا هفتگی) به دلیل ضرورت باز خوردگیری از روند تدریس و فرایندی بودن این رویداد در طی سال تحصیلی، بهتر است تدریجی و حداکثر یک هفته زودتر از فرارسیدن زمان اجرای همان طرح درس تدوین شود.

آیا بهتر نیست مدرسه ها همان اول مهر ماه از معلمان خود طرح درس های تمام هفته ها و ماه های سال را طلب کنند؟

این کاری توجهی به باز خوردگیری از روند تدریس است. در تعریف طراحی آموزشی و بالتبع در تشریح ضرورت تدوین و نگارش طرح درس، از عبارت «پیش بینی» استفاده کردیم. هر گاه این عبارت به «پیشگویی» تغییر یافت، آنگاه می توان از مدیران و مسئولان امور آموزشی مدرسه ها و راهبران آموزشی اداره های آموزش و پرورش انتظار داشت همه طرح درس های یک سال یک ماده درسی را از معلمان طلب کنند.

با توجه به تأکیدی که آموزش و پرورش به انجام طراحی آموزشی و تدوین و نگارش طرح درس دارد، چرا مرکز یا مراکز تاسیس نمی شوند که طراحی آموزشی همه برنامه های درسی را انجام دهند و مجموعه های از طرح درس ها را برای اجرا تدوین کنند و به همه معلمان ابلاغ کنند؟

تدریس یک رویداد «منحصربه فرد» و به قول برخی از کارشناسان آموزشی معاصر، بر «دنا» (دی ان ای) معلمی که تدریس می کند متکی است. یعنی در آغاز، حین و پایان تدریس هر معلمی، امضای ویژه یا اثر انگشت او با کمی دقت مشاهده می شود. از این گذشته، تفاوت های فردی دانش آموزان، اختلاف های فرهنگی، اقلیمی، زبانی و قومی دانش آموزان در مناطق گوناگون، اختلاف اندازه و نوع مدرسه ها و کلاس های درس، سطح متفاوت خانواده هایی که فرزندان آن ها در کلاس های درس مناطق گوناگون کشور حضور پیدا می کنند و بسیاری دلایل دیگر، مانع از این می شود که بتوان طراحی آموزشی یکسان و طرح درس های مشابهی را برای همه معلمان در همه جای کشور ارائه داد. ولی چند سالی است در برخی از کشورها، سازمان ها و مراکز در آموزش و پرورش رسمی یا بخش خصوصی تشکیل شده اند که بخش هایی از طراحی آموزشی هر ماده درسی را به همراه یک طرح درس سالانه پیشنهادی و قسمت هایی از طرح درس های روزانه یا هفتگی منتشر می کنند و در اختیار مدرسه ها و معلمان قرار می دهند. این کار به ویژه در کشور ما که نظام برنامه ریزی درسی متمرکز دارد، مناسب تر است. برای مثال، چون تدوین محتوا به صورت متمرکز صورت می پذیرد، لاجرم استخراج هدف ها، شناسایی و ترسیم ارتباط های عمودی و افقی درس هادر هر پایه و با پایه های دیگر، توالی هدف ها و برخی نکته های دیگر می تواند به صورت متمرکز صورت پذیرد. این

کار حتی برای بخش‌هایی از طرح درس‌ها هم امکان‌پذیر است، ولی وقتی کار به جزئیات و آن‌جایی می‌رسد که با ویژگی‌های اختصاصی معلمان و دانش‌آموزان مرتبط است، نسخه‌پیچی متمرکز جواب‌گو نخواهد بود. کارشناسان آموزشی، این روزها این قبیل طراحی‌های آموزشی و طرح‌های نیمه‌آماده را با بهره‌گیری از چرخه توزیع غذاهای نیمه‌آماده امروزی مانند لازانیا و سیب‌زمینی نیم‌پخت، به صورت تمثیلی «طراحی آموزشی و طرح درس نیمه‌پخت» می‌نامند و می‌گویند ما تا نیمه‌های راه و در حد ترسیم خط‌های کلی پیش می‌رویم، بقیه کارها صرفاً از آن معلم و وظیفه معلمان و براساس امضا و اثر انگشت اختصاصی آنان است.

چه کسی باید لازانیای نیم‌پز یا طراحی‌های آموزشی و طرح درس‌های نیمه‌پز را آماده کند؟

اکنون این کار در مدرسه‌هایی که بخش‌های آموزشی معتبر دارند، توسط همین بخش‌ها صورت می‌پذیرد. این کار، با توجه به خردبودن نظام آموزشی واحد مدرسه، بسیار مطلوب و مناسب به نظر می‌رسد. در وهله بعد، گروه‌های آموزشی مناطق، شهرستان‌ها و نواحی آموزش و پرورش و آنگاه استان‌ها، به دلیل امکان لحاظ کردن ویژگی‌های منطقه‌ای در طراحی‌های آموزشی و طرح درس‌های معلمان، باصلاحیت‌ترین نهادها برای نیم‌پز کردن نظام طراحی آموزشی و طرح درس نویسی هستند. ضمن اینکه به صورت موردی، هم اکنون در کشورمان، مؤسسه‌هایی به تعداد کمتر از نصف انگلستان یک دست، در این زمینه فعال هستند. لازم است آموزش و پرورش از توانمندی‌های آنان در توسعه نظام طراحی آموزشی بهره‌برد. البته شکل مطلوب این کار، تأسیس یک مرکز یادگیری متمرکز در هر منطقه است تا بتواند تمام نیازهای مربوط به طراحی آموزشی و تدوین و نگارش طرح درس در هر ناحیه همگن را به صورت نظام‌مند در یک جا متمرکز کند و ارائه دهد.

بسیاری از معلمان، از نوشتن طرح درس سر باز می‌زنند. آیا به دلیل وقت‌گیر بودن نگارش طرح

درس چنین اتفاقی می‌افتد؟

طرح درس‌های کلاسیک، به ویژه طرح درس‌هایی که بر اساس روان‌شناسی یادگیری رفتارگرگرا تدوین می‌شدند، بسیار پر حجم و پر نوشتار، جزئی، پیچیده و حتی در برخی موارد پیشگویانه بودند. برای مثال، اگر اکنون معلمی در طی سال در پایه دهم عهده‌دار تدریس دو ماده درسی باشد و هر کدام از درس‌ها هم ۲۵ درس، گفتار یا بخش داشته باشد، او باید حداقل ۵۰ طرح

درس بنویسد. بر اساس الگوهای کلاسیک، که هر طرح درسی به طور میانگین حجمی معادل ۱۰ صفحه ۴۰ را به خود اختصاص می‌داد، این معلم باید حدود ۵۰۰ صفحه طرح درس بنویسد. بنابراین، این معلم چاره کار را در چه می‌بیند: نوشتن در حالی که امروزه نوشتن طرح درس متحول و متنوع شده است، تغییرات زیادی پیدا کرده و به سرعت به سمت سادگی پیش رفته است. در این روش، دادن برگه یکسان برای نگارش طرح درس توسط معلمان، از سوی مدرسه و اداره به شدت زیر سؤال رفته و تأکید بر این است که اجازه بدهید هر معلمی با رعایت اصول کلی، هر طور و به هر شکلی که خود می‌خواهد، طرح درس بنویسد. در این نگرش، تقسیم لحظه‌های ۹۰ دقیقه‌ای وقت کلاس به شکل مثالی، توضیح و شرح و بسط هر اتفاق، و پرسش و پاسخی که قرار است در کلاس رخ دهد و در یک کلام شرح جزئیات، کنار رفته است و طرح درس‌های مبتنی بر جدول، کارت، نقشه مفهومی و اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) در دستور کار قرار گرفته‌اند. در دو نشانی زیر می‌توانید طرح درس‌های فراوانی را با مدل‌های گوناگون مشاهده کنید:

www.lessonplanz.com

www.lessonplanpages.com

علاوه بر این، باید در نظر گرفت، طرح درس روزانه، برخلاف طرح درس سالانه که به دلیل مبتنی بودن بر تقویم سال شمسی، یک بار مصرف است، صرفاً برای یک بار استفاده در کلاس نوشته نمی‌شود و طرح درس‌های سال قبل را می‌توان در فصل درنگ بازبینی کرد و با اصلاح مبتنی بر بهبود، دوباره از آن‌ها بهره برد. البته معلمان پایه دوازدهم، به دلیل نونگاشت بودن کتاب‌های خود، امسال نخستین طرح درس‌های این پایه را خواهند نوشت.

نتیجه طراحی آموزشی درست و اجرای طرح درس سالانه و روزانه‌ای که برگرفته از همان طراحی آموزشی اصولی است، به چه اقدامی باید رهنمون شود؟

کارشناسان آموزشی معتقدند، طراحی آموزشی آغاز یک چرخه چهار مرحله‌ای است؛ چرخه‌ای که پس از گذر از سه مرحله، دوباره به طراحی آموزشی بازگشت می‌کند.

ما فرایند تدریس را با طراحی آموزشی آغاز می‌کنیم؛ آنگاه به تدوین طرح درس سالانه می‌پردازیم و سپس با نگارش و اجرای طرح درس روزانه یا هفتگی، در صدد پیشبرد فعالیت یاددهی یادگیری خودمان بر می‌آییم. تا اینجا سه مرحله پشت سر گذاشته شده است، ولی برای رسیدن به طراحی آموزشی دگر باره، یک بخش دیگر باقی مانده و آن ارزیابی از تدریس است که در کل‌های گوناگون مانند «خودسنجی»، «همتاسنجی» و «دگرسنجی» نمود پیدا می‌کند و «تدریس پژوهی» یا همان «درس پژوهی» نیز یکی از روش‌های اجرایی آن است. به عبارت دیگر، نتیجه طراحی آموزشی درست و اجرای طرح درس سالانه و روزانه‌ای که برگرفته از همان طراحی آموزشی اصولی است (یک سال تدریس) و حرکت به سوی یک طراحی آموزشی دیگر برای سالی جدیدتر، بدون وجود حلقه چهارم و دخالت یافته‌های حاصل از شکل‌های گوناگونی که هر معلم به «ارزیابی از تدریس» خود اقدام می‌کند، بی‌معنی خواهد بود. *

پی‌نوشت‌ها

1. What to teach
2. How to Teach
3. What to whom to teach

خواندنی‌های بیشتر

۱. ۱۲ پرسش و پاسخ‌هایی که برای هر کدام مطرح شد، امکان پرداختن به جزئیاتی بیشتر از طراحی آموزشی و طرح درس میسر نشد. از این رو، خواندنی‌هایی را برای مطالعه توصیه می‌کنم:
۲. طراحی آموزشی (مبانی، رویکردها و کاربردها). دکتر هاشم فردانیش. انتشارات سمت.
۳. طراحی پیام‌های آموزشی. دکتر محمدحسن امیر تیموری. انتشارات سمت.
۴. بار شناختی و چندرسانه‌ای‌های آموزشی. دکتر محمدحسن امیر تیموری و محمدزارخ. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. طراحی آموزشی. دکتر عادل یغما. انتشارات مدرسه بهار.
۶. درس پژوهی. دکتر محمدرضا سرکارآرانی. انتشارات مرکز نوآوری‌های آموزشی مرآت.
۷. هفت مهارت اساسی برای معلمان: مهارت بهره‌مندی از طراحی آموزشی و نگارش طرح درس. دکتر مرتضی مجدفر. انتشارات پیشگامان پژوهش مدار.
۸. طرح درس، نرم‌افزاری مناسب. دکتر مرتضی مجدفر. انتشارات چاپارفرزانگان.
۹. بار شناختی و طراحی آموزشی. نوشته اسلاوا کالیوگا، ترجمه دکتر محمدحسن امیر تیموری، سونیا موسی رضائی و الهه ولایتی. انتشارات آوای نور.
۱۰. راهنمای عملی نگارش طرح درس. دکتر محرم آقازاده و محرم تقی‌زاده. مرکز مدارس یادگیرنده مرآت.